

استراتژی ترکیه در قبال داعش

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳

محمدعلی قاسمی*

چکیده

بحران سوریه، باعث تغییرات مهمی در آرایش قوا و صف‌بندی‌های منطقه‌ای شد. ترکیه با این تحلیل که حکومت بشار اسد در کوتاه‌مدت سقوط خواهد کرد، به حمایت جدی از اپوزیسیون سوری پرداخت. پس از تطویل بحران، حزب کردی پ.ی.د که ترکیه آن را شعبه سوری پ.ک.ک می‌داند، قدرت را در شمال سوریه و مرز جنوبی ترکیه به دست گرفت. در چنین شرایطی، داعش ظهور کرد و ترکیه در مقابل اقدامات این گروه علیه دولت اسد و پ.ی.د، سیاست «انفعال و اغماض» را در پیش گرفت. این امر هم به پروسه صلح در ترکیه خاتمه داد و هم ترکیه را به عنوان حامی داعش معرفی کرد. استدلال اصلی این نوشتار این است که با تکیه بر نظریه رئالیسم و بحث امنیت هستی‌شناختی، می‌توان رفتار ترکیه را نسبت به داعش تحلیل کرد؛ رفتاری که از نظر دولت‌مردان این کشور، ناشی از فقدان گزینه‌های مطلوب و نگرانی‌های امنیتی است.

واژگان کلیدی: داعش، ترکیه، بحران سوریه، تروریسم، پ.ی.د/پ.ک.ک.

mualiq@gmail.com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینای همدان (نویسنده مسئول)

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال نوزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۵ • شماره مسلسل ۷۳

مقدمه

در باب سیاست ترکیه در قبال داعش، دو دیدگاه متضاد وجود دارد. از یک طرف، دولت ترکیه مدعی است نه تنها هیچ‌گاه به این گروه تروریستی کمکی نکرده، بلکه ترکیه اولین کشوری بوده که از آن در عرصه بین‌المللی به‌عنوان سازمانی تروریستی یاد کرده و با آن به مبارزه پرداخته است (Davutoğlu, 2014). در نقطه مقابل، به نظر می‌رسد نوعی اتفاق نظر بین‌المللی وجود دارد مبنی بر اینکه ترکیه، روابط حسنه‌ای با داعش دارد. دیدگاه‌های متنوعی در این مورد وجود دارد. در ملایم‌ترین سطوح، تصور می‌شود ترکیه نسبت به تبادلات مرزی، سازماندهی داعش در خاک این کشور و جذب نیرو در داخل ترکیه اغماض کرده یا به صورت مؤثری عکس‌العمل نشان نداده است (Iddon, 2015). این «انفعال» را محصول دست کم گرفتن خطر داعش هم دانسته‌اند (Iddon, 2015). به نظر جمعی از تحلیل‌گران، این «غفلت» ناشی از برداشت اشتباه اردوغان بود؛ زیرا اردوغان مدعی بود (و هست) که مسلمان واقعی نمی‌تواند تروریست باشد و بر اساس این برداشت اجازه داده شد هزاران تروریست جهادی از لیبی تا چین وارد خاک سوریه شوند (Yesilada, 2014).

در درون این طیف از ارزیابی‌ها، کسانی هم هستند که بر شباهت ایدئولوژیک اردوغان و هم‌فکران و هم‌حزبی‌هایش با گروه‌های تندرو و افراط‌گرا تأکید می‌کنند. به زعم این تحلیل‌گران، ایدئولوژی اخوانی اردوغان، تمایلات افراد عضو حزب عدالت و توسعه و جریان‌های نزدیک به آن و وجود دشمنان مشترکی چون ایران و بشار اسد، باعث قرابت و نزدیکی مواضع و همکاری آن‌ها بوده است (موسوی، ۱۳۹۵: ۷-۳۶۶). این ایده را مخالفان اردوغان و به ویژه جریان‌ها و احزاب لائیک داخل ترکیه هم مطرح کرده‌اند. جالب آنکه حتی کسانی از افراد نزدیک (یا سابقاً نزدیک) به حزب حاکم عدالت و توسعه هم ادعاهای مشابهی را مطرح کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به اظهارات یوسف مفتی‌اوغلو، مشاور سابق عبدالله گل اشاره کرد که معتقد است: «مسئله [رابطه ترکیه و داعش] فقط مرزهای باز و بُعد لجستیک نبوده، بلکه رسانه‌های دولتی به تطهیر و تقدیس مبارزان علیه بشار اسد پرداخته و سازمان‌های غیردولتی اسلامی هم به این گروه کمک کرده‌اند و در واقع بُعد ایدئولوژیک، مذهبی و اجتماعی هم باید مورد توجه قرار گیرد». در واقع، نوعی ربط ایدئولوژیک، مذهبی و اجتماعی وجود دارد.

از نظر مفتی اوغلو، نوعی خصومت مذهبی و فرقه‌ای یعنی اختلاف شیعی-سنّی پدید آمد و در افکار عمومی ترکیه و اکثریت جهان سنّی مذهب، جنگ سوریه، نبرد بین اهل سنّت و شیعیان جلوه داده شد. در نتیجه، مشروعیتی برای کمک به مخالفان سوری از جمله داعش حاصل شد که کمتر کسی جرأت داشت، حجّیت و ضرورت آن را زیر سؤال ببرد (Müftüoğlu, 2016). دیدگاه‌های تندتر از این را باید در فضای جنگ رسانه‌ای روسیه علیه ترکیه، در پاییز و زمستان ۱۳۹۴ جستجو کرد. در آن مقطع، نه فقط شخص اردوغان، بلکه خانواده وی متحد و حتی مدیر و سازنده داعش قلمداد می‌شد. در آن زمان، مطبوعات منطقه به نقل از روزنامه‌های آلمانی بیلد و هاندلزبلات مدعی شدند بلال اردوغان، پسر رئیس جمهور ترکیه، وزیر نفت داعش است (Turbville, 2015). اساس این ادعا این بود که خانواده اردوغان صاحب چند کشتی و شرکت کشتیرانی بوده و نفت قاچاق داعش را به بازارهای جهانی عرضه می‌کند (Alalam, 2015; Sputnik News, 2015). حتی تصاویری تحت عنوان ملاقات بلال اردوغان با سران داعش منتشر شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵).

البته، بعدها مشخص شد این تصاویر متعلّق به دو صاحب رستوران جگرکی معروفی در استانبول بوده و صرفاً محاسن بلند آن‌ها باعث طرح این اتهام شده است. سمیه اردوغان، دختر رجب طیب اردوغان، هم متهم شده که مسئول مراکز درمانی و ارائه خدمات پزشکی و مراقبت از مجروحین داعش بوده و حتی مرکز گلوبال ریسرچ (واقع در مونترآل کانادا) مصاحبه‌ای با یک پرستار منتشر کرد و مدعی شد در بیمارستانی مخفی در ترکیه و تحت نظر سمیه اردوغان، به زخمی‌های داعش کمک می‌رسانده است. این ادعا هم توسط بعضی رسانه‌ها زیر سؤال رفت. به زعم تردیدکنندگان در این ادعا، داعش حداقل آن‌گونه که از تبلیغات این گروه و نشریه ترکی ارگان داعش یعنی «قسطنطنیه» برمی‌آید، ترکیه را دوست خود تلقی نمی‌کند (Martel, 2015). البته سمیه اردوغان، به صورت رسمی مسئول رسیدگی به اوضاع و امور آوارگان سوری و مداوای پناهندگان مجروح بوده است.

به هر حال، ضرورتی ندارد همه دعاوی مطروحه له و علیه حکومت ترکیه در بحث نوع رابطه آن با داعش به ویژه بخش تبلیغاتی آن را مرور کنیم. همین موارد مطرح شده هم می‌تواند نشان دهد که نوعی اجماع نسبی مبنی بر وجود روابط مثبت بین حکومت ترکیه و داعش در

اذهان عمومی جهان شکل گرفته است. طبیعی است همه اخبار و تحلیل‌ها را نمی‌توان محصول تبلیغات و فعالیت رسانه‌ای مخالفان ترکیه دانست، اما بی‌شک در ابعاد و عمق این «تعامل» یا «رابطه» اغراق شده است. در این نوشتار، استدلال خواهد شد که مناسبات دولت ترکیه و داعش، ثابت، یکدست و در سطح رسمی و دولتی نبوده، بلکه متلاطم، متنوع، متلون و با فراز و نشیب و نانوشته بوده است.

الف. چارچوب نظری - مفهومی

مفروض اساسی این مقاله آن است که اصول بنیادین نظریه رئالیسم در تحلیل رفتار دولت‌ها، به ویژه در منطقه خاورمیانه، صحیح و قابل اتکا، ولی در مواردی ناکافی است. اصول بنیادین رئالیسم را مورگنتا به صورت سیستماتیک بیان کرده است. به زعم وی، دولت بازیگر اصلی عرصه روابط بین‌الملل بوده و از این رو، دیگر بازیگران و موجودیت‌های بین‌المللی، انعکاسی از منافع دول حاکمه هستند. در فضای آنارشی بین‌المللی، منافع دولت‌ها بر همه توافقات، معاهدات، اخلاقیات و... مقدم شمرده می‌شود. همه دولت‌ها، در پی حداکثرسازی قدرت خویش‌اند. در این راستا و برای کسب قدرت و حفظ امنیت خویش، سیاست‌گذاری می‌کنند و از این رو، بر اساس چارچوبی عقلانی، یعنی در چارچوب منطق هزینه-فایده، عمل می‌کنند (Morgenthau, 2006: 16-4). به بیانی دیگر، دولت‌ها هر آنچه را به نفع خویش و برای حفظ امنیت خود ضروری ببینند، عملی می‌کنند؛ حتی اگر مغایر احکام و قوانین بین‌المللی یا موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها و... باشد.

طبیعتاً اگر نقض توافقات مزبور، ضرری بیش از سود احتمالی در پی داشته باشد، دولت‌ها با حساب‌گری از آن اجتناب می‌کنند، اما بعد ناکافی رئالیسم در این است که منافع و قدرت کشورها همواره و صرفاً نظامی و اقتصادی نیست، بلکه منافع معنوی یا آنچه در دهه‌های اخیر «قدرت نرم» نام گرفته نیز وجه دیگری از قدرت محسوب می‌شود. این قدرت معنوی می‌تواند شامل مقبولیت ایدئولوژیک، رفتار مطابق با حقوق بین‌الملل و عملکرد اخلاقی دولت‌ها و حکومت‌ها و پرستیژ دولت‌ها و ملت‌ها هم باشد. محققان نمونه‌هایی کلاسیک از ترجیح این بُعد قدرت که گاه از آن به حفظ امنیت هستی‌شناختی هم تعبیر می‌شود، بر ابعاد سخت‌افزاری قدرت

و امنیت ذکر کرده‌اند (استیل، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۳). هر دولتی در تلاش است با ارائه‌ی روایتی معنادار از کیستی و هویت خویش، نوعی احساس آرامش، تداوم و امنیت روانی ایجاد کند. هر گاه دولتی مفروض احساس کند که رفتارش با هویت مقبولش هم‌خوانی ندارد یا به تعبیری، عملش با شعارش یکسان نیست، حس ناامنی به آن دست می‌دهد.

چنین دولت و حکومتی خواهد کوشید رفتارش را توجیه کند تا ایدئولوژی و تصویری که از خویشتن برای جهانیان ترسیم می‌کند، سازگار تلقی شود. از همین روست که دولت‌های رقیب، با فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی خویش می‌کوشند «دشمنان» یا «رقبا» را به اقداماتی متهم کنند که از نظر افکار عمومی و اذهان بشری، مطرود و محکوم است. اتهام حمایت از تروریسم یا توسل به تروریسم، یکی از اتهامات رایج و شایع در این مورد محسوب می‌شود. شواهد و نشانه‌های بی‌شماری دال بر فقدان اجماع و توافق بر سر تعریف تروریسم و تعیین مصادیق آن وجود دارد. برای نمونه، در حالی که حماس و حزب الله در میان کشورهای اسلامی محبوبیت داشته و جنبش‌های رهایی‌بخش محسوب می‌شوند، عموم کشورهای اروپایی و آمریکا این سازمان‌ها را در فهرست گروه‌های تروریستی جای داده‌اند. نمونه‌ی دیگر طالبان است. این گروه از نظر عموم کشورهای جهان، تروریستی به حساب آمده است؛ اما گزارش‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر مخفیانه با آن مذاکره کرده‌اند (De Young, 2013).

تساهل ایالات متحده نسبت به سازمان مجاهدین خلق - که تا سال ۲۰۱۲ در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت خارجه این کشور قرار داشت - مثال گویای دیگری در این مورد است. حتی سیمور هرش ادعا کرده که گروه‌هایی از مجاهدین خلق در نوادای آمریکا آموزش‌های اطلاعاتی دریافت می‌کنند (Goodman, 2012). علاوه بر این‌ها، ده‌ها مقام سابق آمریکایی در گردهمایی‌های این سازمان شرکت کرده و به خاطر ایراد سخنرانی به نفع آن، پول‌های کلان دریافت کرده‌اند. این در حالی است که هیچ کدام از این افراد تحت تعقیب قضایی قرار نگرفته‌اند. این نوع سیاست یک بام و دو هوا و دوگانگی در قول و عمل باعث شده ناظرانی مانند گلن گرین‌والد، روزنامه‌نگار بریتانیایی، آمریکا را نه مخالف تروریسم، بلکه هوادار آن بنامد و تروریسم را «بی‌معناترین و دستکاری‌شده‌ترین اصطلاح در گفتمان سیاسی بخواند» (Greenwald, 2012).

یکی از جدیدترین موارد از این دوگانگی در مواجهه با تروریسم که ربط مستقیمی با بحث این مقاله نیز دارد، تلاش برخی گروه‌ها و سازمان‌ها در غرب برای حذف پ.ک.ک از فهرست گروه‌های تروریستی است (Phillips and Berkell, 2016).

استدلال آنان این است که پ.ک.ک نیرویی مناسب و قدرتمند برای جنگ با داعش در سوریه و عراق است (Phillips and Berkell, 2016). در چنین موقعیت‌هایی، این سؤال بنیادین مطرح می‌شود که آیا جنگیدن گروهی تروریست با گروه تروریستی دیگر، به یکی از آن دو گروه مشروعیت می‌بخشد و آن را از صفت تروریست بودن مبرا می‌سازد؟ مسئله این است که انتظار نمی‌رود کشوری گروه یا سازمانی را تروریستی تلقی کند و در عین حال با آن همکاری کند. از این رو، دولت‌ها، ابتدا می‌کوشند گروه/ سازمان مدّ نظر را مشروع و موجّه جلوه دهند و در مرحله بعد با آن وارد همکاری شوند؛ کاری که ایالات متحده با حزب وحدت دموکراتیک (پ.ی.د) کرد، از این قماش بود.

حال اگر به بحث مقاله برگردیم، بحث بر سر این است که ترکیه در مقاطع مختلف نسبت به داعش خط مشی متفاوتی داشته و این سیاست گاه مترادف اغماض نسبت به فعالیت‌های داعش در داخل خاک این کشور بوده و گاهی هم از آن به عدم مشارکت فعالانه و مسئولانه در مبارزه «بین‌المللی» علیه داعش تعبیر شده است. محرک و انگیزه دولت‌مردان ترکیه در همه مقاطع، منافع ملی و امنیت این کشور، البته بنا به برداشت خودشان از آن، بوده است. در عین حال، مقامات مزبور همواره تلاش کرده‌اند ترکیه را از اتهام همراهی یا همکاری با تروریسم داعشی مبرا و برکنار نگه دارند. از این رو، با فشار افکار عمومی بین‌المللی، ترکیه گاه به سمت همکاری اکراه‌آمیز با ائتلاف بین‌المللی علیه داعش و گاهی «تظاهر» به همکاری روی آورده است.

ب. سیر استراتژی ترکیه در قبال مخالفان اسد

هنگام اوج‌گیری خیزش‌های مشهور به «بهار عربی»، ترکیه بالاترین سطح روابط را با دولت بشار اسد داشت. با آغاز اعتراض‌ها در سوریه، ترکیه تلاش کرد بین مخالفان و اسد میانجی‌گری کند (Ilgit and Davis, 2013). البته، اقدامات در این زمینه نتیجه‌ای نداشت. با پیوستن گروه‌هایی از ارتش به مخالفان دولت و گسترش اقدامات مسلحانه، اوضاع از کنترل خارج شد و جنگ

داخلی شروع شد. گفته می‌شود در آن زمان سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه و مقامات این کشور به این ارزیابی رسیده بودند که حکومت بشار اسد ماندنی نیست و ظرف شش ماه سقوط خواهد کرد. این تحلیل، دیدگاهی قابل تصور بوده و اگر به سرنوشت حکومت‌هایی نظیر بن‌علی در تونس، مبارک در مصر، قذافی در لیبی یا عبدالله صالح در یمن توجه شود، چنین برداشتی چندان هم غیرواقعی نبوده است، اما تحول اوضاع و حمایت‌های مؤثر ایران، حزب الله و متحد بین‌المللی سوریه یعنی روسیه، ارزیابی مزبور را باطل کرد. در سال ۲۰۱۲ و سال‌های متعاقب، اتحادیه اروپا و آمریکا از اپوزیسیون سوری حمایت (Arango, 2012) و حتی برای گروه‌های مزبور دفتر نمایندگی سیاسی تأسیس کردند (De Young, 2014).

استانبول به دلیل نزدیکی جغرافیایی به سوریه و حضور تعداد قابل توجهی از اتباع سوریه و مخالفان اسد در آنجا، به مرکزی برای نشست‌ها و کنفرانس‌های مخالفان سوری مبدل شد. به مرور زمان، اختلاف‌های داخلی مخالفان تشدید شد و این جمع پریشان تا آستانه فروپاشی کامل پیش رفت و غربی‌ها هم از موفقیت آن‌ها ناامید شدند؛ به ویژه آنکه اندک اندک معلوم شد مخالفان سیاسی متشکل از روشنفکران و تحصیل‌کردگان عمدتاً ساکن غرب و خارج از سوریه، توان تأثیرگذاری بر عرصه میدانی مبارزات مسلحانه را ندارند. ارتش آزاد سوریه که توسط کشورهای غربی و ترکیه به عنوان «اپوزیسیون مشروع» به رسمیت شناخته شده بود و کمک‌های نظامی، تسلیحاتی و لجستیک دریافت می‌کرد (Entous, 2015)، به دلیل اختلاف‌های داخلی و قدرت‌گیری اپوزیسیون رادیکال و تکفیری به حاشیه رانده شد و تضعیف گردید. در آوریل سال ۲۰۱۳، با گسترش حضور گروه «دولت اسلامی عراق» در خاک سوریه، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) اعلام موجودیت کرد.

در ابتدا، تأسیس جبهه نصرت اهل شام (النصره) برای کمک به مسلمانان (یعنی رادیکال‌ها) سوریه، از طرف القاعده عراق به رهبری ابوبکر البغدادی اعلام شد و از اتحاد این دو، داعش ظهور کرد، اما الجولانی، رهبر جبهه النصره، اتحاد را رد کرد و به این ترتیب، اختلاف داخلی گروه‌های رادیکال مزبور به سرحد جنگ تمام‌عیار رسید (Birke, 2015). با این تحول، سرشت جنگ سوریه دچار تغییری اساسی شد. در واقع، دو تحول را می‌توان نقاط عطف در استراتژی سوری ترکیه تلقی کرد: ۱. ورود پ.ی.د به صحنه سوریه و قدرت‌گیری آن؛ ۲. اعلام وجود داعش و سیاست‌های این گروه.

به نظر می‌رسد در ابتدای جنگ داخلی، نه تنها ترکیه، بلکه اروپاییان و آمریکایی‌ها هم شناخت کامل و دقیقی از طیف‌های اپوزیسیون و برنامه‌های این گروه‌ها نداشتند. از این رو، کمابیش هر گروه مدعی جنگیدن با حکومت بشار اسد، در زمره اپوزیسیون قرار گرفت و مورد حمایت «دوستان سوریه» بود. دوستان سوریه، همان‌گونه که اشاره شد، عنوان مجموعه‌ای از کشورهای غربی و منطقه‌ای طرفدار اپوزیسیون سوریه و مخالف اسد بود و جلسات متعددی هم برای جلب کمک و حمایت برای گروه‌های مزبور برگزار کرد (Daloglu, 2013). بروز اختلاف بین «دوستان سوریه» و نشست‌های بی‌نتیجه آن‌ها، در کنار ضعف اپوزیسیون متمایل به غرب، موجب توقف جلسات گروه مزبور و بروز ابهام در ماهیت و شکل حمایت از «اپوزیسیون مشروع سوری» شد. با قدرت‌گیری داعش و به تعبیر روزنامه‌نگاران و برخی تحلیل‌گران غربی (Cockburn, 2015) «ربوده‌شدن قیام» سوریه، اختلافات تشدید شد و ناهماهنگی در میان اپوزیسیون هم مزیت بر علت شد.

ناماهنگی مذکور خود را به خوبی در شکست پیاپی مذاکرات صلح با دولت سوریه در ژنو نشان داد. با تقویت انسجام، امید و کسب نیروهای جدید در جبهه طرفداران اسد، نوعی جنگ فرسایشی آغاز شد. تا ظهور داعش و قدرت‌نمایی‌اش در ابتدای سال ۲۰۱۴ و تصرف موصل و اقدام به گروگان‌گیری در کنسول‌گری ترکیه، آنکارا و کمابیش سایر دولت‌های غربی از اپوزیسیون سوری حمایت می‌کردند و ترکیه در خط مقدم این حمایت‌ها و ارائه خدمات لجستیک قرار داشت. استدلال دولت‌مردان ترکیه در آن مقطع و دفاع‌شان از عملکرد مزبور در سال‌های بعدی بر این ایده مبتنی بود که از اپوزیسیون «مشروع» و «دارای مقبولیت بین‌المللی» حمایت می‌کنند؛ اپوزیسیونی که در برخی ارگان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی (اتحادیه عرب) کُرسی نمایندگی مردم سوریه را در اختیار گرفته بود (Abramowitz and Edelman, 2013: 18).

ج. پدیداری پ.ی.د؛ افزایش پیچیدگی‌های پیش روی ترکیه در سوریه

پ.ی.د در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد. پس از آنکه حافظ اسد در سال ۱۹۹۸ تحت فشار ترکیه، عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک را از دمشق بیرون راند و بیشتر کادرهای پ.ک.ک مستقر در سوریه را به ترکیه تحویل داد، حامیان پ.ک.ک در سوریه نیز بازداشت شده و به زندان‌های

طولیل‌المدت محکوم شدند. حزب وحدت دموکراتیک، در سال مزبور با هدف حفظ روحیه طرفداران پ.ک.ک و ممانعت از قطع ارتباط بین این افراد به وجود آمد. بنابراین، در زمان آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، پ.ی.د نیروی عمده‌ای نبود و وظیفه حفظ رابطه را برعهده داشت (Kurd Watch, 2013: 12)، اما با بروز فضای مساعد و به دلیل سابقه حضور اعضای پ.ک.ک در منطقه و نیز وجود تعداد قابل توجهی از اکراد سوری در صفوف پ.ک.ک، این حزب توانست به سرعت دست به بسیج نیرو بزند. پ.ی.د از مداخله به نفع اپوزیسیون سوری اجتناب کرده و استراتژی صبر و انتظار پیش گرفت.

از طرف دیگر، حکومت سوریه که در جبهه‌های مختلف درگیر مبارزه با گروه‌های مسلح بود، مایل نبود و نمی‌توانست جبهه جدیدی بگشاید. بنابراین، ظاهراً به صورت نانوشته با گروه مذکور کنار آمد. ادعا شده که در ایجاد این آشتی و توافق، جلال طالبانی و ایران دخیل بوده‌اند (Kurd Watch, 2013: 12). در این میان، استراتژی بشار اسد برای تحت فشار قراردادن ترکیه را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چون بی‌تردید ترکیه از این‌که گروهی مرتبط با پ.ک.ک کنترل مرزهای جنوبی آن را به دست بگیرند، ناراضی و نگران می‌شد و شاید با جلب توجه به این موضوع، از شدت مداخلات ترکیه در بحران سوریه کاسته می‌شد. به هر حال، تصرف شهرهای متعدد در شمال شرق سوریه و بخش اعظم استان حسکه بدون درگیری نظامی قابل مشاهده، نشان از این توافق غیررسمی یا رسمی داشت.

پ.ی.د با اتکا به تجارب سابق پ.ک.ک در سازماندهی نیرو و کسب درآمد مالی از طریق وضع مالیات و برقراری گمرکات و همچنین تسلط بر برخی میدین نفتی (مانند رُمیلان) و استخراج و فروش نفت (Stratfor, 2015) توانست به ثروتمندترین شعبه پ.ک.ک تبدیل شود. پ.ک.ک نیز مجرب‌ترین و کارآمدترین اعضایش را روانه سوریه کرد. حتی ادعا می‌شود مقرهای اصلی حزب از شمال عراق به سوریه منتقل شده است. کارشناسان از وجود چندین اردوگاه آموزشی پ.ک.ک تحت هدایت فهان حسین (ملقب به باهوز اردال از کادرهای بالای حزب و مسئول عملیات‌های گروه که اصالتاً سوری است) خبر داده‌اند.^۱ این پایگاه‌ها حتی به

1. Beybin Somuk, The Child Soldiers of the PKK and YPG, Available at: <http://thekebandcamel.com/the-child-soldiers-of-the-pkk-and-ypg/>.

مراکزی برای آموزش نظامی گروه‌های رادیکال چپ ترکیه مبدل شده؛ که برخی از آن‌ها به دلیل شباهت ایدئولوژیک (سوسیالیسم) در صفوف پ.ی.د می‌جنگند (TelesurTV, 2015).

ترکیه از ابتدای قدرت‌گیری پ.ی.د، به مخالفت با آن برخاست. هنگامی که صالح مُسلم، دبیرکل پ.ی.د، در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترکیه سفر کرد، مقامات ترکیه کمک به این گروه را منوط به مبارزه آن با اسد و پیوستن به اپوزیسیون سوری ضد اسد کردند (Rudaw, 2013). امری که مورد قبول پ.ی.د و شخص صالح قرار نگرفت، زیرا که دستور کار حزب معطوف به همه سوریه نبود. در چنین فضایی، دولت ترکیه پروسه صلحی را با گروه‌های کرد و پ.ک.ک آغاز کرد. پروسه‌ای که تصور می‌رود یا دست‌کم از سوی نیروهای پ.ک.ک تصور می‌شد که به دلیل موقعیت ممتاز فعلی گروه‌های مسلح کُرد، دولت به ناچار به آن تن داده است. پروسه مزبور با آتش‌بس ظاهری در اوایل ۲۰۱۳ آغاز گردید و در داخل مثلث ایمرالی (زندان اوج‌آلان)، آنکارا و قندیل (مقر رهبران پ.ک.ک) و با وساطت نمایندگان «حزب دمکراسی خلق‌ها» تداوم یافت. بنا به دلایلی که جای بسط آن‌ها در اینجا نیست «جریان صلح» دچار وقفه‌ها و موانع متعددی شد.

در واقع، نباید این نکته را از نظر دور داشت که مسأله کرد در ترکیه، صرفاً بُعد داخلی ندارد و ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای آن بسیار مهم است. موفقیت‌ها و قدرت‌گیری پ.ی.د در نزد طرفداران پ.ک.ک در ترکیه، امیدها و آمال بسیاری برانگیخت. پ.ک.ک احساس قدرت می‌کرد و از فرآیند صلح برای غلبه بر رقبای و مخالفان، آموزش و جذب نیروهای جدید و کادرهای نوجوان و شهری و نیز افزایش تسلیحات و مهمات استفاده می‌کرد. دولت ترکیه ظاهراً با نگرانی از خاتمه فرآیند صلح و معرفی دولت به عنوان پیشگام ختم مذاکرات و پروسه صلح، ناظر این اقدامات بود. به زعم محمود بوزآرسلان، روزنامه‌نگار اهل دیاربکر، ماجرای کوبانی نقطه عطفی برای فرآیند صلح بود (Bozarslan, 2016). جنگ پر سر و صدای ی.پ.گ (یگان‌های مدافع خلق و شاخه نظامی پ.ی.د) و داعش در شهر مرزی عین العرب، که کردها آن را کوبانی می‌خوانند، از تابستان ۲۰۱۴ تا اوایل ۲۰۱۵ تداوم یافت و سقوط نکردن شهر بر اثر پشتیبانی هوایی آمریکا و ورود یگان‌هایی از ارتش آزاد سوریه و گروه‌های پیشمرگه کرد از اقلیم کردستان و دفاع نیروهای حاضر در داخل شهر، به نظر پ.ک.ک و طرفداران آن حماسه بزرگی بود.

استراتژی ترکیه در قبال بحران کوبانی، انتقادات داخلی و بین‌المللی زیادی برانگیخت. طرفداران پ.ک.ک. بر این اعتقاد بودند و چنین تبلیغ می‌کردند که ترکیه حامی داعش در این مبارزه است و اجازه نمی‌دهد مبارزان کرد از ترکیه وارد کوبانی شوند و به مقابله با این گروه تروریستی بپردازند (Worth, 2016). افکار عمومی غربی و آمریکایی هم انتظار داشتند دولت ترکیه به نفع گروه‌های کرد تحت محاصره وارد عمل شود و یا حداقل به آنان کمک تسلیحاتی و لجستیک برساند، اما مقامات ترکیه معتقد بودند این نبرد بین دو گروه تروریستی است و منطقی نیست ترکیه به نفع یکی از آن‌ها وارد میدان شود. ترکیه وظیفه خود را کمک به غیرنظامیان که تقریباً همه سکنه کوبانی در آن زمان در خاک ترکیه اسکان داده شده بودند، می‌دانست. تردیدی نیست که مقامات ترکیه از سقوط کوبانی کمتر ناراحت می‌شدند، زیرا این شهر و حوالی آن را از پایگاه‌های پ.ک.ک. محسوب می‌کردند. به نظر می‌رسید و در حال حاضر هم به نظر می‌رسد که داعش گروه ماندگاری نیست، اما پ.ی.د همچنان خواهد ماند؛ زیرا پایگاه قومی و اجتماعی دارد.

انفعال در مسئله کوبانی، از نظر سیاستمداران ترکیه، محصول فقدان گزینه‌های مطلوب برای پیشبرد سیاست این کشور در سوریه بود؛ زیرا این کشور نمی‌توانست به نفع پ.ی.د وارد عمل شده و به این گروه سلاح و تجهیزات بدهد؛ زیرا گروه مزبور را شعبه سوری پ.ک.ک. می‌دانست، یعنی سازمانی که از سی سال قبل با دولت ترکیه می‌جنگد و برنامه تجزیه‌طلبانه‌اش بر همگان آشکار است. در خصوص ارتباط ارگانیک پ.ی.د و پ.ک.ک. هم تردیدی وجود ندارد. این امر که پ.ی.د رهبری اوجالان را می‌پذیرد و سراسر شهرها و مناطق تحت کنترل آن، میدین و ادارات و مدارس و حتی کارنامه تحصیلی کودکان با تصاویر او تزئین می‌شود؛ اینکه در بیانیه‌های خود مکرراً به مبارزه پ.ک.ک. اشاره و ارجاع داده و از آن حمایت می‌کند؛ این امر که پ.ی.د یکی از اعضای «اتحادیه جوامع کردستان» تحت اداره پ.ک.ک. و ریاست عالیة عبدالله اوجالان است؛ و نهایتاً وجود کادرهای مشترک بسیاری بین دو گروه و نقش فرماندهان پ.ک.ک. در هدایت و طراحی برنامه‌های پ.ی.د، همگی این ادعا را تأیید می‌کنند (Gunter, 2014: 42). فرانسيس ريكاردونه، سفير سابق آمريكا در آنكارا هم وجود رابطه ارگانیک بين دو گروه را غيرقابل انكار دانسته و اذعان کرده که پ.ی.د و پ.ک.ک. با نزدیکی به روسیه قصد دارند

شکافی در روابط دو متحد عضو ناتو به وجود آورند (Ricciardone and Stein, 2016). از سوی دیگر، داعش هم به دلایل مختلفی و از جمله وجهه نامطلوب و منفور بین‌المللی اش نمی‌توانست طرف توجه و حمایت ترکیه باشد. همکاری با حکومت اسد هم برای ترکیه که چهار سال علناً با آن مخالفت و خصومت ورزیده است، قابل تصور نبود. از این رو، صبر و انتظار تنها گزینه پیش روی سیاستمداران ترکیه بوده است. ماهیت رابطه داعش و ترکیه در قضیه کوبانی هرچه بود، گروه‌های کرد و طرفداران‌شان توانستند در افکار عمومی کردها و حتی در سطح بین‌المللی این برداشت و این ایده لرزان را که ترکیه حامی داعش است، به باوری جدی و مستحکم مبدل کنند. اخباری که در آن مقطع از رسانه‌های مختلف و بویژه رسانه‌های کردی مطرح می‌شد، حاکی از حمایت گسترده و حتی پیمان مخفیانه ترکیه با داعش بود (Ahmed, 2016). اما از دیدگاه غربی‌ها و آمریکایی‌ها، نیروی جدیدی کشف شده بود که هم به خوبی در مقابل داعش می‌جنگید و هم سکولار بود و متمایل به ارزش‌های غربی.

در نتیجه، پ.ی.د مشروعیت و محبوبیت بین‌المللی فوق‌العاده‌ای کسب کرد. حمایت آشکار آمریکا از این گروه و ارسال حجم گسترده‌ای از سلاح و تجهیزات و مستشاران نظامی و اطلاعاتی برای آموزش آن و تأسیس پایگاه و فرودگاه نظامی در مناطق تحت کنترل پ.ی.د از سوی آمریکا، به تنش جدیدی در روابط این کشور با ترکیه مبدل شد؛ که آثار و تبعات همچنان ادامه دارد. حادثه کوبانی از جهت دیگری نیز سیاست داخلی ترکیه را تحت تأثیر شدید قرار داد؛ نزاع پ.ک.ک و داعش به درون خاک این کشور کشیده شد. امروزه و بعد از حادثه انفجار انتحاری در مراسم عروسی بین دو خانواده کُرد ساکن شهرک‌های اطراف غازی آنتپ، می‌توان حوادث قبلی و مشابه را بهتر درک کرد؛ دو بمب‌گذاری یکی در آنکارا و در جریان میتینگ هواداران حزب دمکراسی خلق‌ها و گروه‌های چپ که به قتل بیش از یک‌صد تن انجامید (۱۰ اکتبر ۲۰۱۵) و دیگری انفجار در سوروچ در استان اورفا واقع در مرز ترکیه و سوریه (روبه‌روی کوبانی در خاک ترکیه) در تجمع طرفداران احزاب کُرد که منجر به قتل ۳۳ تن شد (۲۰ جولای ۲۰۱۵).

این انفجارها، پاسخ داعش به پ.ک.ک در قبال شکست کوبانی بود. انفجار انتحاری غازی آنتپ، انتقام‌گیری از سقوط منبج به دست پ.ی.د نیز محسوب می‌شود. به بیانی دیگر، هر گاه پ.ی.د در سوریه در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد، طرفداران داعش به هواداران پ.ک.ک در

ترکیه حمله می‌کنند و هر گاه داعش در سوریه در نبرد با پ.ی.د وضعیت بهتری می‌یابد، طرفداران پ.ک.ک، دولت ترکیه را آماج حمله قرار می‌دهند و حمایتش از آن گروه را محکوم می‌کنند. در واقع، ترکیه از هر طرف تحت فشار است و این عمدتاً نتیجه سیاست‌های متناقضی است که این کشور در رابطه با بحران سوریه در پیش گرفته است. انفجار سوروچ از نظر گروه‌های کرد با هدایت دولت ترکیه عملی شده بود و طرفداران پ.ک.ک این اقدام را پایان فرآیند صلح تلقی کردند. متعاقب آن، دو مأمور پلیس در خواب به قتل رسیدند و پ.ک.ک مسئولیت آن را بر عهده گرفت و آن را انتقام انفجار سوروچ اعلام کرد (Marszal and Akkoc, 2015).

این اقدام، فرآیند شکننده و لرزان صلح را به اتمام رساند و جنگ تمام‌عیاری را موجب شد که بر اساس برخی برآوردها، طی آن بیش از هشت هزار نفر از هواداران و اعضای پ.ک.ک و بیش از پانصد نیروی دولتی کشته شده‌اند (Yeni Şafak, 2016). پ.ک.ک با درس گرفتن از تاکتیک‌های جنگ شهری داعش و استفاده از خاک سوریه برای فعالیت‌های لجستیک خود، به گزینه خطرناکی برای ترکیه تبدیل شده است. در واقع، جنگ سوریه برای نیروهای کُرد هدایایی مانند تونل‌سازی، کار گذاشتن تله‌های انفجاری جدید، بمب‌های دست‌ساز، تاکتیک‌های فرار از رصد هواپیماهای بدون سرنشین، استفاده از سلاح‌های جدید غربی و تک‌تیراندازی را به ارمغان آورده است (Bozarslan, 2016). تونل‌های متعددی که خاک سوریه را به بعضی شهرک‌های جنوب ترکیه وصل می‌کرد و مجرای انتقال نیرو و سلاح بود، نشان می‌داد در طی فرآیند صلح پ.ک.ک، بیکار ننشسته و برنامه‌ریزی کرده است.

در مجموع، با پدیدار شدن ی.د.پ، وضعیت پیش روی ترکیه در بحران سوریه پیچیده‌تر شد. ی.د.پ با داعش می‌جنگد و غرب هم از آن حمایت می‌کند و حکومت اسد و حامیانش نیز به طور ضمنی پشتیبان آن هستند، در حالی که ترکیه این گروه را شاخه پ.ک.ک می‌داند و برای امنیت ملی خود خطرناک ارزیابی می‌کند. در چنین شرایطی که ترکیه هیچ نیروی طرفدار قابل اتکایی در سوریه ندارد که بتواند با این تهدید مقابله کند، آیا حاضر است حتی به صورت تاکتیکی هم که شده، با داعش همکاری کند یا حداقل سیاست «اغماض» نسبت به این گروه را در پیش گیرد تا آن‌ها ی.د.پ را مهار کنند؟ ممکن است در مراحل، ترکیه چنین چیزی را مد

نظر داشته، اما با توجه به هزینه بالای این کار، نمی توانست زیاد ادامه پیدا کند. شاید در نتیجه این وضعیت بود که ترکیه در قالب عملیات «سپر فرات» برای مقابله با تهدید کردها به طور مستقیم وارد سوریه شد.

د. ترکیه و داعش؛ از انفعال و غفلت تا تقابل ضعیف

در ابتدای مقاله هم اشاره شد که در خصوص مناسبات ترکیه و داعش دیدگاه‌های متنوع و متعارضی وجود دارد. گذشته از تحلیل‌های ژورنالیستی یا دارای ماهیت تبلیغاتی (خواه از طرف دولت ترکیه و خواه از سوی مخالفان و منتقدان داخلی و بین‌المللی)، یکی از دیدگاه‌های جالب توجه، تحلیل متین گورجان^۱ تحلیل‌گر ترک است که اصطلاح «مادر جایگزین»^۲ را برای توصیف روابط مزبور ابداع کرده است؛ به این معنا که داعش ضمن استفاده از مرزهای طولانی ترکیه و سوریه که در مواردی به سختی قابل کنترل کامل‌اند و در بعضی نواحی مانند هاتای صعب العبور و کوهستانی‌اند و دولت توجه چندانی به آن‌ها ندارد، توانسته هسته‌ها و سلول‌های وابسته به خود در شهرهای مختلف ترکیه و به ویژه شهرهای مجاور سوریه و نواحی جنوبی ایجاد کند. در چنین شرایطی، با وجود حملات گاه و بیگاه به نیروهای دولتی ترکیه، داعش تلاش کرده این «مادر جایگزین» را آزرده نسازد؛ زیرا برای تأمین مالی و جذب نیرو به فضایی مطلوب در ترکیه نیازمند است (Ünver, 2016: 3). به عقیده این تحلیل‌گر، داعش می‌کوشد اولاً اختلافات مذهبی (سنّی - علوی) و قومی را در ترکیه تشدید کند و ثانیاً از این قطبی شدن و تشدید خصومت‌ها برای جذب هوادار و نیرو استفاده نماید.

این استراتژی را در حملات به میتینگ‌ها و اهداف مذکور در بالا به وضوح می‌توان مشاهده کرد. ضمن آنکه باید توجه داشت گروه‌های تروریستی از ضعف اقتدار دولتی استقبال کرده و از آن سود می‌برند. با این حال، به نظر می‌رسد در اینجا تناقضی وجود دارد. چگونه می‌توان دولتی را هم راضی نگه داشت و تحریک نکرد و هم در آن منازعه فرقه‌ای و قومی را دامن زد؟ اگر تحلیل فوق را قبول کنیم، بروز اختلاف بین ترکیه و داعش حتمی و قطعی است، اما ممکن

1. Metin Gürcan
2. Surrogate Mother

است به تأخیر افتد. برای فهم این نکته باید به نقش هسته‌ها و سلول‌های داعش در ترکیه توجه کرد که در غفلت و کوتاهی دولت شکل گرفته و بعضی از شبکه‌های مزبور، حتی قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای هم یافته‌اند. در ادامه از آن‌ها بیشتر بحث خواهد شد. در اینجا لازم است اشاره شود که داعش، از استراتژی «انفعال» ترکیه راضی‌تر بوده تا ورود تمام عیار این کشور به جنگ با این گروه تروریستی؛ زیرا در صورت بروز مناقشه بین طرفین، سخت‌گیری بیشتری نسبت به گروه اعمال می‌شد. اگر بخواهیم آنچه را تا کنون گفته شده به ایجاز بیان کنیم، چنین به نظر می‌رسد که حکومت ترکیه بر اساس ارزیابی مشکوکی، سرنگونی حکومت اسد را نزدیک تلقی کرده و مصرانه از آن حمایت کرده است.

ترکیه در این راه، از تقریباً همه مخالفینی که با حکومت دمشق می‌جنگیدند، پشتیبانی کرده است. با تضعیف اقتدار دولت سوریه و ورود بازیگرانی چون پ.ی.د به میدان و تهدیدی که از این ناحیه متوجه تمامیت ارضی ترکیه می‌شد، نگرانی‌های جدید و از این رو، استراتژی جدیدی برای آنکارا ضرورت یافته است. ارزیابی ترکیه از پدیداری داعش هم اشتباه بود. وزیر خارجه وقت، احمد داوود اوغلو، در اظهار نظری که شدیداً آماج انتقاد قرار گرفت، حمله به موصل و تصرف قسمت‌هایی از شمال عراق را به جوانان خشمگین اهل سنت نسبت داد (Bulat, 2014). البته، نباید از نظر دور داشت که ارزیابی مشابهی در همان زمان در فضای مطبوعاتی و رسانه‌ای وجود داشت و نوری المالکی به دلیل برخورد نامناسب با اهل سنت عراق، مسئول رشد تروریسم قلمداد می‌شد (Cole, 2014). این امر که آیا ارزیابی واقعی ترکیه از اقدامات اولیه داعش همین بوده یا آنکه گفتمان مزبور با هدف توجیه «انفعال» در قبال این گروه ایجاد شده بود، دشوار است. در عین حال، نباید از نظر دور داشت که ماهیت و شیوه عمل داعش هم هنوز برای جهانیان شناخته شده نبود. به هر حال، با قدرت‌گیری داعش و مبارزه آن در دو جبهه، با حکومت دمشق و پ.ی.د، ترکیه سیاست صبر و انتظار در پیش گرفت و مقابله با این گروه را در دستور کار قرار نداد. این خط مشی را می‌توان تجلی قاعده قدیمی «دشمن دشمن من، دوست من است»، دانست. وضع مطلوب برای ترکیه در آن زمان، طرد هر سه عنصر این معرکه یعنی بشار اسد، پ.ی.د و داعش بود، اما سیاستمداران آنکارا توانایی این کار را در خود نمی‌دیدند و اتحادیه اروپا و آمریکا هم نظر مساعدی نسبت به

پیشنهاد‌های ترکیه، یعنی ایجاد منطقه ممنوعه پرواز در شمال سوریه و تجهیز و آموزش نیروهای «معتدل و سکولار اوپوزیسیون» ابراز نمی‌کردند. مخالفت طرفداران دولت سوریه نسبت به مواضع ترکیه هم بدیهی بود. در صحنه سوریه هم گروه‌ها و جریان‌های نزدیک به ترکیه مانند ارتش آزاد و احرارالشام در موقعیت ضعف و حاشیه‌ای قرار داشتند. نتیجه آنکه ترکیه، گزینه و آلترناتیوی در اختیار نداشت. این «انفعال» و «صبر و انتظار» در قضایای کوبانی به اوج خود رسید و به ترتیبی که گفته شد، ترکیه در فضای بین‌المللی به حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از داعش متهم شد.

در نقطه مقابل، گروه‌های کُرد محبوبیت و مشروعیت یافتند. در نتیجه، ترکیه در انزوا قرار گرفت. ترکیه از اینکه می‌دید غربی‌ها و آمریکایی‌ها از گروه مخالفش حمایت می‌کنند، خشمگین بود. مقامات این کشور بارها اعلام کردند که از نظر آن‌ها بین داعش، پ.ک.ک و پ.ی.د تفاوتی وجود ندارد، اما از نظر غربی‌ها تفاوت بارزی وجود داشت؛ کردها، تمایلات جهادپرستی نداشتند و تهدیدی برای اروپا و غرب محسوب نمی‌شدند. نتیجه این کشمکش، تشدید فضای توطئه در ترکیه بود و این ایده رواج یافت که غرب به دنبال تجزیه ترکیه و مجازات این کشور است. در مقابل، پ.ک.ک با کسب مشروعیت و تجارب نوین، وارد جنگ داخلی جدیدی شد.

در این میان، ورود روسیه به میدان جنگ سوریه (سپتامبر ۲۰۱۵)، بار دیگر اوضاع را دگرگون کرد. از ابتدای بحران، روسیه سیاستی دقیقاً مخالف استراتژی ترکیه در سوریه دنبال می‌کرد. این اختلاف به درگیری‌های لفظی محدود نماند و با سرنگونی هواپیمای روس در محلی مشکوک (مرز ترکیه و سوریه)، روابط دو کشور متشنج شد و با عکس‌العمل شدید روسیه، نه تنها میدان فعالیت ترکیه در سوریه بسیار تنگ شد و گروه‌های طرفدار ترکیه آماج حملات روسیه قرار گرفت، بلکه دستگاه تبلیغاتی روسیه هم به کانونی برای طرح اتهامات مختلف علیه اردوغان و حمایتش از داعش مبدل شد؛ اما پس از «عذرخواهی» اردوغان و ارتقای روابط دو کشور، این تبلیغات فروکش کرد. آغاز عملیات موسوم به «سپر فرات» و ورود نیروهای ترکیه و مخالفان مورد حمایت این کشور به شمال سوریه و خارج کردن جرابلس از دست داعش در اواخر تابستان ۱۳۹۵/۲۰۱۶، اوضاع را به نفع ترکیه تغییر داد و تهدیداتی را که

متوجه ارزش‌های حیاتی این کشور تلقی می‌شد، کاهش داد و از این رو، اتهامات را به نحوی جدی تضعیف کرد.

در مجموع، می‌توان گفت وقتی سیاست «انفعال» و «صبر و انتظار» ترکیه در رابطه با داعش جواب نداد و تهدید ی.پ.د را مرتفع نساخت، ترکیه خود مجبور شد به طور مستقیم وارد درگیری‌های شمال سوریه شود و با نمایش قدرت در منبج، به کردها هشدار بدهد و توان مانور آن‌ها در شمال سوریه را محدودتر کند. با وجود این، نمی‌توان گفت ترکیه قاطعانه در برابر داعش ایستاده است. به نظر می‌رسد تقابل ضعیفی که بین ترکیه و داعش در شمال سوریه شکل گرفت، تاکتیکی بوده و آینده آن، بستگی به تحولات میدانی و سیاسی و برداشت و محاسبات رهبران ترکیه از این تحولات خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار استدلال شد که ترکیه بر اساس تحلیل غیردقیق و پیش‌بینی سقوط قریب‌الوقوع حکومت بشار اسد، به جریان بین‌المللی حمایت از گروه‌های اپوزیسیون پیوست و فعالانه از آن‌ها حمایت کرد. اما با مقاومت و تداوم حکومت اسد به کمک متحدین سوریه د پیدایش و گسترش تفرقه و اختلافات در بین مخالفان اسد، صحنه سوریه دچار دگرگونی اساسی شد. از یک طرف، ی.پ.د که ترکیه آن را شعبه سوری پ.ک.ک می‌داند و می‌خواند، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم حکومت اسد، قدرت را در شمال شرق سوریه به دست گرفت. این امر از نظر ترکیه تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی‌اش محسوب شد. بنابراین، این کشور کوشید ضمن حمایت از مخالفان ی.پ.د، گروه‌های کرد مخالف پ.ک.ک مانند حزب دموکرات کردستان نزدیک به بارزانی، با این گروه مقابله کند. از سوی دیگر، پیدایش و پیشروی داعش و به‌ویژه با پیروزی برق‌آسای این گروه در موصل و رویارویی‌اش با ی.پ.د به خصوص در ماجرای کوبانی، گروه اخیر را به قهرمان مبارزه با داعش تبدیل کرد.

آنکارا در این زمان سیاست صبر و انتظار در پیش گرفته بود و براساس قاعده «دشمن دشمن من، دوست من است» نسبت به تحركات و تبادلات مرزی و جذب نیرو و امکانات و دریافت کمک مالی این گروه از مسیر ترکیه، عکس‌العمل جدی نشان نمی‌داد. همین «انفعال» به

ویژه پس از سرنگونی هواپیمای روسی، باعث شکل‌گیری کمپین رسانه‌ای و انتقادی شدیدی علیه ترکیه و شخص اردوغان شد. ترکیه برای مقابله با این خطر و تهدید هستی‌شناختی، یعنی اتهام حمایت از تروریسم، مجبور شد روابط خویش را با اسرائیل و روسیه اصلاح کند. مداخله این کشور در سوریه بر اساس عملیات موسوم به «سپر فرات» و ورودش به شمال این کشور هم جدای از ناامیدی نسبت به مهار ی.پ.د توسط داعش، برای اثبات این نکته بود که ترکیه طرفدار داعش نیست. این عملیات، باعث فراموشی نسبتاً سریع اتهامات مربوط به حمایت از داعش هم شده است. البته، اقدام ترکیه علیه داعش، نوعی تقابل ضعیف و عمدتاً تاکتیکی بوده و سرنوشت آن مشخص نیست؛ به این معنا که به نظر نمی‌رسد ترکیه قاطعانه و با تمام قوا، برای نابودی داعش اقدام کند. به هر حال، بازی سوریه پیچیده است و سیالیت ائتلاف‌ها و اتحادهای رسمی و غیررسمی بسیار بالاست.

در مجموع، در ارزیابی اخبار و اطلاعاتی که در مورد روابط ترکیه و داعش مطرح شده، به نظر می‌رسد دو دسته اطلاعات جدی و مستند و ادعاهای تأییدنشده و مشکوک وجود دارد. اخبار جدی، مربوط به شبکه‌ها و سلول‌های داعش در خاک ترکیه است که به ویژه از رقابت‌شان با پ.ک.ک و انتقال نبرد پ.ی.د و داعش به داخل ترکیه، از بمب‌گذاری‌های نوبتی‌شان قابل استنباط است. به هر صورت به نظر می‌رسد «انفعال»، «اغماض» و «غفلت» ترکیه در مقابله جدی با داعش که بر اثر خصومت با اسد و تمایل به کنترل پ.ک.ک و شاخه اقماری آن یعنی پ.ی.د بوده، استراتژی کوتاه‌بینانه‌ای بوده است، زیرا ۱. بحران را به داخل ترکیه کشانده و اختلاف‌های مذهبی-قومی را تشدید کرده است؛ ۲. وجهه ترکیه را در منطقه و جهان مخدوش کرده است؛ ۳. ترکیه گزینه‌های استراتژیک بهتر و کم‌هزینه‌تر را در نظر نیاورده و گزینه‌های خطرناک‌تر و زیان‌بارتر را انتخاب کرده و این عدم انعطاف کافی، نوعی ناکامی توأم با هزینه بالاست.

هرچند آشتی با حکومت اسد، دشوار و غیرقابل طرح می‌نمود، اما نرمشی که در سال ۲۰۱۶ از سوی ترکیه مطرح شد (بعد از کودتا)، در سال ۲۰۱۴ و قبل از آن هم قابل طرح بود. به بیانی ساده‌تر، سازش و همکاری با بشار اسد می‌توانست هم خطر پ.ک.ک را خنثی کند و هم معضلاتی چون داعش را، حداقل در مقیاس کنونی، پدیدار نمی‌ساخت. به هر حال، با توجه به پدیدارشدن افول داعش، حداقل در معنای سرزمینی، رقابت‌های منطقه‌ای هم معنا و اشکال

دیگری خواهد یافت. ورود نظامی مستقیم ترکیه به خاک سوریه و تصرف بخشی از خاک این کشور و نیز پافشاری آنکارا بر حفظ نیروهای خود در پایگاه البعثیه عراق، شاید در این چارچوب قابل فهم باشد؛ که نمی‌تواند نوید اتفاقات مثبتی در منطقه، حتی پس از افول داعش، باشد.

منابع

- استیل، برنت جی. (۱۳۹۲) امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی، محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۵/۰۲/۱۱) «ارتباط پسر اردوغان با سران داعش + تصاویر»، آدرس اینترنتی:
<http://donya-e-qtasad.com/SiteKhan/904216>
- موسوی، سید مسعود (۱۳۹۵) «بررسی و تحلیل مواضع و عملکرد ترکیه در قبال داعش» در داعش حقیقی و حقیقت داعش، به اهتمام دکتر محمد حسن حبیبیان، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
- Abramowitz, Morton I. and Edelman, Eric S. (April 2013), *U.S.-Turkish Cooperation toward a Post-Assad Syria: A Paper of BPC's Turkey Task Force*, Bipartisan Policy Center.
- Ahmed, Nafeez (2016), *Turkey's secret pact with Islamic State exposed by operative behind wave of ISIS attacks*, Available online at: <https://medium.com/insurge-intelligence/turkeys-secret-pact-with-islamic-state-exposed-by-operative-behind-wave-of-isis-attacks-6b35d1d29e18#.u39u53167><retrieved Sept.2016>
- Alalam (2015), *Is Bilal Erdogan Oil Minister of ISIS? German Media Reported*, Available online at: <http://en.alalam.ir/news/1766852><retrieved Sept.2016>
- Arango, Tim (2012), *European Union Backs Syrian Opposition Coalition*, Available online at: http://www.nytimes.com/2012/11/20/world/middleeast/islamists-reject-new-syrian-opposition-coalition.html?_r=0<retrieved Sept.2016>
- Birke, Sarah (2013), *How al-Qaeda Changed the Syrian War*, in: *New York Review of Books*. 27 December 2013, Available online at: <http://www.nybooks.com/daily/2013/12/27/how-al-qaeda-changed-syrian-war/><retrieved Sept.2016>
- Bozarslan, Mahmut (March 29, 2016), *Why PKK shifted to urban warfare?*, Available online at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/03/turkey-why-pkk-carry-clashes-cities.html><retrieved Sept.2016>
- Bulut, Uzay (2014), *Turkey Subjugates the Kurds because it Shares Isis' Ideological Bed*, Available online at: <http://www.ibtimes.co.uk/turkey-subjugates-kurds-because-it-shares-isis-ideological-bed-1469381><retrieved Sept.2016>
- Cole, Juan (2014), *Top 10 Mistakes of former Iraq PM Nouri al-Maliki (That Ruined his Country)*, Available online at: <http://www.juancole.com/2014/08/mistakes-maliki-country.html><retrieved Sept.2016>
- Daloglu, Tulin (April 21, 2013) *Friends of Syria Deliver Nothing New*, Available online at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/04/syrian-opposition-radical-elements-wester-arms.html><retrieved Sept.2016>
- Davutoğlu: IŞİD'i Resmi Olarak İlk Biz Terör Örgütü İlan Ettik (2014), Available online at: <http://www.tevhidhaber.com/davutoglu-isisi-resmi-olarak-ilk-biz-teror-orgutu-ilan-ettik-100459h.htm><retrieved Sept.2016>

- DeYoung, Karen (2013), *U.S. to launch peace talks with Taliban*, Available online at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-to-relaunch-peace-talks-with-taliban/2013/06/18/bd8c7f38-d81e-11e2-a016-92547bf094cc_story.html<retrieved Sept.2016>
- DeYoung, Karen (2014), *Syrian Opposition Coalition offices in U.S. given 'foreign mission' status*, Available online at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/syrian-opposition-coalition-offices-in-us-given-foreign-mission-status/2014/05/05/3bb31544-d476-11e3-aae8-c2d44bd79778_story.html<retrieved Sept.2016>
- Entous, Adam (2015), *Covert CIA Mission to Arm Syrian Rebels Goes Awry*, *The Wall Street Journal* Jan. 26, 2015 Available online at: <http://www.wsj.com/articles/covert-cia-mission-to-arm-syrian-rebels-goes-awry-1422329582><retrieved Sept.2016>
- Goodman, Amy (2012), Seymour Hersh: US Training Iranian Terrorists in Nevada, Available online at: http://www.alternet.org/story/154938/seymour_hersh%3A_us_training_iranian_terrorists_in_nevada<retrieved Sept.2016>
- Greenwald, Glenn (2012), five lessons from the de-listing of MEK as a terrorist group, Available online at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2012/sep/23/iran-usa><retrieved Sept.2016>
- Gunter, Michael M. (2014) *Out of Nowhere: The Kurds of Syria in Peace and War*, Oxford University Press.
- Iddon, Paul (Dec. 2015) *Old Habits That Die Hard: Israel and Turkey Neglect ISIS to Their Peril*, Available online at: <http://globalcomment.com/old-habits-that-die-hard-israel-and-turkey-neglect-isis-to-their-peril/><retrieved Sept.2016>
- Haberler (28 April 2016), Teröristlere Devlet Hastanesi Kıyağı! Sahte İsimle Tedavi Olmuşlar, Available online at: <http://www.haberler.com/pkk-li-teroristlere-devlet-hastanesi-kiyagi-8392182-haber/><retrieved Sept.2016>
- Ilgit , Asli and Davis, Rochelle (2013), *The Many Roles of Turkey in the Syrian Crisis*, Available online at: <http://www.merip.org/mero/mero012813><retrieved Sept.2016>
- Itani, Faysal and Stein, Aaron (May 2016), Turkey's Syria Predicament, Atlantic Council, Rafik Hariri Centre for The Middle East.
- Marszal, Andrew and Akkoc, Raziye (2015), *Kurdish militants claim 'revenge' killing of two Turkish policemen*, Available online at: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/turkey/11755018/Two-Turkish-police-officers-killed-close-to-Syria-border.html><retrieved Sept.2016>
- Martel, Frances (2015), *Pro-Iran Research Group: Turkish President's Daughter Runs Secret ISIS Hospital*, Available online at: <http://www.breitbart.com/national-security/2015/07/22/pro-iran-research-group-turkish-presidents-daughter-runs-secret-isis-hospital/><retrieved Sept.2016>
- Morgenthau, Hans J. (2006) *The Politics of Nations: The struggle for power and peace*, McGraw-Hill Education, 7th Edition.
- Muftuoglu, Yusuf (2016), *How the 'Normalization' of Salafi Extremism Has Come Back to Haunt Turkey*, Available online at: http://www.huffingtonpost.com/yusuf-muftuoglu/salafi-extremism-turkey_b_10814254.html<retrieved Sept.2016>
- Phillips, David and Berkell, Kelly (2016) *The Case for Delisting the PKK as a Foreign Terrorist Organization*, Available online at: <https://www.lawfareblog.com/case-delisting-pkk-foreign-terrorist-organization><retrieved Sept.2016>
- Ricciardone, Francis and Stein, Aaron (February 24, 2016.), *Mitigating US-Turkish Disagreement over the PYD*, Available online at:

<http://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/mitigating-us-turkish-disagreement-over-the-pyd> <retrieved Sept.2016>

Rudaw (14/11/2013), *Kurdish Declaration of Autonomy in Syria Rejected by Turkey, Larger Opposition* Available online at:

<http://rudaw.net/english/middleeast/syria/14112013> <retrieved Sept.2016>

Speckhard, Anne (2016), *ISIS Sex Slave Trade in Gaziantep, Turkey*, Available online at:

http://www.huffingtonpost.com/anne-speckhard/isis-sex-slave-trade-in-g_b_9774610.html <retrieved Sept.2016>

Sputnik News (04.12.2015), *This is How Turkey's Oil Trade With Daesh Works*, Available online at:

<http://sputniknews.com/middleeast/20151204/1031228456/turkey-illegal-oil-business-isis-zakho.html> <retrieved Sept.2016>

Turbeville, Brandon (2016), *Bilal Erdogan: The Real ISIS Oil Minister*, Available online at:

<http://www.activistpost.com/2015/12/bilal-erdogan-the-real-isis-oil-minister.html> <retrieved Sept.2016>

Stratfor, (July 31, 2015) *The Fragile Gains of Syria's Kurds*, Available online at:

<https://www.stratfor.com/analysis/fragile-gains-syrias-kurds> <retrieved Sept.2016>

TelesurTV (13 June 2015) *New Leftist 'Freedom Brigade' to Join Kurdish Forces in Rojava*,

Available online at: <http://www.telesurtv.net/english/news/New-Leftist-Freedom-Brigade-to-Join-Kurdish-Forces-in-Rojava-20150613-0023.html> <retrieved Sept.2016>

Worth, Robert F. (May 24, 2016), *Behind the Barricades of Turkey's hidden War*, **The New York Times Magazine**, Available online at:

http://www.nytimes.com/2016/05/29/magazine/behind-the-barricades-of-turkeys-hidden-war.html?_r=0 <retrieved Sept.2016>

Yeni Şafak English (May 24, 2016), *Over 7,000 PKK terrorists neutralized in 10 months*, Available online at:

<http://www.yenisafak.com/en/news/over-7000-pkk-terrorists-neutralized-in-10-months-2470648> <retrieved may/2016>

Yesilada, Atilla (2014) *Turkey's benign neglect helped spur the Islamic State's rise*, Available

online at <http://www.dailystar.com.lb/Opinion/Commentary/2014/Jul-22/264649-turkeys-benign-neglect-helped-spur-the-islamic-states-rise.ashx> <retrieved may/2016>